

بانکها و صندوقهای قرض الحسنه

مسئله 1 - سود بانکی در صورتی حلال است که طبق موازین شرعی و از طریق قراردادها و عقود اسلامی (از قبیل مضاربه، مزارعه، مساقات، شرکت و امثال آن) باشد.

مسئله 2 - آنچه اشخاص از بانکها به عنوان قرض الحسنه یا غیر آن می گیرند و مبلغ زیادتری می پردازند، در صورتی حلال است که معامله به صورت شرعی انجام گیرد و جنبه ربا نداشته باشد.

مسئله 3 - اگر انسان اجمالا بداند در بانک پول حلال و حرام وجود دارد ولی یقینا نداند پولی را که از بانک می گیرد از پولهای حرام است یا نه، گرفتن آن اشکالی ندارد.

مسئله 4 - گرفتن سود از بانک های غیرمسلمان اشکال ندارد.

مسئله 5 - حواله های بانکی یا تجاری، اشکالی ندارد، یعنی بانک یا تاجر پولی را از کسی در محلی می گیرد و حواله می دهد که از بانک یا طرفش در محل دیگر به آن شخص بپردازند و در مقابل این حواله از صاحب پول مبلغی به عنوان حق الزحمه می گیرد، این معامله حلال است خواه حق حواله را از خود آن پول کم کند، یا جداگانه بگیرد، همچنین اگر بانک یا موسسه دیگر، پولی را به شخص دهد و حواله کند که این شخص پول را در محل دیگر به شعبه بانک یا شخص معینی بپردازد و اگر مقداری به عنوان حق الزحمه در این حواله بگیرد، اشکال ندارد.

مسئله 6 - مبلغی را که صندوقهای قرض الحسنه به عنوان کارمزد و حق الزحمه در برابر خدماتی که برای نگهداری حساب اقساط و امثال این امور می گیرند اشکال ندارد، ولی این مبالغ باید متناسب با هزینه های بانک باشد.

مسئله 7 - اگر بانکها مقداری از سرمایه خود را در کارهای تجاری یا تولیدی به کار گیرند، تا از درآمد آن هزینه های بانک یا جوايز و امثال آن را تأمین کنند، این کار در صورتی جایز است که صاحبان پول از این جریان باخبر بوده و اجازه داده باشند و درآمد حاصل شده نیز تنها صرف هزینه های بانک شود.

سفته

مسئله 8 - «سفته» به اوراقی می گویند که پول نیست، ولی سند بدهکاری است، و آن بر دو قسم است:

1- سفته حقیقی که شخص بدهکار در مقابل بدهی خود به عنوان سند بدهکاری به طلبکار می دهد.

2- سفته صوری که شخصی به دیگری می دهد بی آن که در مقابلش بدهکاری داشته باشد.

مسأله 9- سفته حقیقی را اگر کسی با دیگری به مبلغی کمتر معامله کند، اشکالی ندارد.

سرقفلی

مسأله 10 - سرقفلی عبارت است از حقّ اولویّتی که مستأجر بر ملك پیدا می کند در مقابل پولی که به مالك در اوّل کار می پردازد و مطابق آن، مستأجری که سرقفلی پرداخته در اجاره کردن آن ملك، اولی از دیگران است و مالك نمی تواند ملك را بدون موافقت او به دیگری اجاره بدهد. سرقفلی با شرایط زیر صحیح است:

مقدار سرقفلی باید معلوم باشد و طرفین با میل و رضایت خود معامله را انجام دهند و بالغ و عاقل و رشید باشند و معنی سرقفلی و لوازم آن را بدانند.

مسأله 11 - مستأجر حق دارد سرقفلی ملك را که پرداخته، به دیگری واگذار کند، خواه با همان قیمت یا بیشتر یا کمتر.

مسأله 12 - هرگاه مدّت اجاره ملكی که سرقفلی آن گرفته شده تمام شود، مالك موظّف است آن را به همان مستأجر یا شخص دیگری که او موافقت کند اجاره دهد و مقدار مال الاجاره به قیمت عادلانه روز با نظر کارشناس مورد اطمینان تعیین می شود.

مسأله 13 - اگر کسی ملكی را با دادن سرقفلی به مالك آن برای مدّتی اجاره کند، تا زمانیکه وقت اجاره او تمام نشده است می تواند ملك را با موافقت مالك ، به دیگری با همان مبلغ اجاره دهد، ولی حقّ سرقفلی را به هر مقداری که با یکدیگر توافق کنند می تواند بگیرد.

بیمه

مسأله 14 - "بیمه" قراردادی است بین بیمه کننده و شرکت یا فرد بیمه گر که بر مبنای آن، بیمه کننده مبلغی را می پردازد تا بیمه گر ، خسارتهای وارده بر شخص یا اموال او را جبران کند. بیمه با شرایط ذیل ، صحیح است:

طرفین بیمه، باید بالغ و عاقل باشند و قرارداد بیمه را از روی اراده و اختیار انجام دهند و اختیار تصرف در مال خود را داشته باشند. علاوه بر این، باید تمام خصوصیات را معین کنند از جمله: 1- تعیین مورد بیمه که فلان وسیله نقلیه یا فلان ساختمان و فلان شخص است. 2- تعیین دو طرف قرارداد. 3 - تعیین اقساط و مبلغی را که بیمه کننده باید بپردازد. 4- تعیین زمان آغاز و پایان بیمه. 5- تعیین خطرهایی که موجب خسارت می شود، مانند خطر آتش سوزی یا سرقت یا وفات یا بیماری و امثال آن 6- تعیین کیفیت، حدود و شروط مبلغ قابل پرداخت از سوی شرکت بیمه گر.

مسأله 15 - طرفین می توانند صیغه عقد بیمه را به هر زبانی بخوانند و یا قرارداد بیمه را به صورت مکتوب، امضاء کنند.

بخت آزمایی

مسأله 16 - بلیطهای بخت آزمایی که در بسیاری از کشورها رواج دارد و به مبلغ معینی می فروشند و پس از آن با قرعه کشی به اشخاصی که قرعه به نام آنها بیرون بیاید مبلغ معینی جایزه می دهند، خرید و فروش آنها جایز نیست، و پولی را که در مقابل بلیط می گیرند، حرام است و مبلغی را که از قرعه کشی به دست می آید، حرام است.

مسأله 17 - اگر فرضاً مؤسسه ای پیدا شود و برای کمک به امور خیریه مانند ساختن بیمارستان یا مدرسه بلیطهایی بفروشد، و مردم هم با علم و آگاهی به این مطلب برای کمک به آن امور خیریه مبلغی بدهند، و آن مؤسسه از مال خودش یا وجوهی که از انتشار بلیط به دست می آید، با اجازه تمام پول دهندگان، جوایزی را به اشخاصی که قرعه به نام آنها بیرون می آید بدهد، و کلیه سود خالص آن صرف امور خیریه گردد، و همه این امور به صورت واضح و شفاف برای همه پول دهندگان تبیین گردد و آنها هم راضی باشند، مانع ندارد.

تلقیح (بارور نمودن زن)

مسأله 18 - جایز است نطفه مرد را در رحم همسر او با سرنگ یا وسایل دیگر وارد کنند، ولی باید مقدمات آن مشروع و حلال باشد. لکن وارد کردن نطفه مردی در رحم زنی که همسر او نیست جایز نمی باشد.

مسأله 19 - اگر نطفه مرد را در رحم همسرش وارد کنند، فرزندی که از او متولد می شود حلال زاده است و متعلق به آن مرد و زن می باشد و تمام احکام فرزند را دارد .

تشریح و پیوند اعضاء

مسأله 20 - تشریح بدن میت مسلمان برای مقاصد طبّی با شرایط ذیل جایز است:

1- مقصود از تشریح، پژوهش و تحقیقات برای یاد گرفتن و گسترش معلومات پزشکی برای نجات جان مسلمانان باشد و بدون تشریح، این مقصود حاصل نشود.

2- دسترسی به جنازه غیر مسلمان نباشد.

3- در انجام تشریح، به مقدار ضرورت اکتفاء شود.

مسأله 21 - پیوند اعضای بدن جایز است، خواه آن عضو از انسان زنده ای گرفته شده باشد یا از میت و خواه آن میت، میت مسلمان باشد یا غیر مسلمان، ولی در صورتی می توان آن عضو را از بدن «میت مسلمان» قطع کرد و به بدن دیگری پیوند زد که حفظ جان آن مسلمان یا حفظ عضو مهمی مانند چشم او موقوف بر این پیوند باشد.

مسأله 22 - در صورت قطع عضو از بدن میت برای امر پیوند، دیه قطع عضو بر اساس آنچه در کتابهای مفصل فقهی آمده است، باید پرداخت شود. حتی اگر خود میت در حال حیات خود و یا اولیاء میت بعد از وفات او اجازه دهند، حکم دیه و سایر احکام تغییر نمی کند، مگر اینکه آنان از حق خود صرف نظر کنند و آن را ببخشند.

مسأله 23 - قطع عضوی از بدن يك انسان زنده و پیوند آن به انسان دیگر مانند آنچه در پیوند کلیه معمول است که يك کلیه از دو کلیه يك انسان زنده را برداشته و به کسی که هر دو کلیه اش از کار افتاده است پیوند می زنند، در صورتی جایز است که حفظ جان مسلمانی بر آن متوقف باشد و با رضایت کامل صاحب آن عضو و بدون اجبار و اکراه او باشد و خسارتی جانی متوجه او نگردد.

مسأله 24 - تزریق خون انسانی به بدن انسان دیگر برای معالجه بیماری یا جراحی یا نجات جان او جایز است، خواه خون مسلمان باشد یا کافر، مرد باشد یا زن.